

مقدمه

ارزش‌های خانوادگی با همه اهمیت‌هایی که دارند، در جهان امروز، رو به افول می‌روند؛ برای نمونه می‌توان به موارد ذیل که نشان‌دهنده زنگ خطری برای ارزش‌های خانوادگی در غرب است اشاره کرد:

در امریکا برای نخستین بار، زنان بی‌شماری بدون همسر به سر می‌برند. به گزارش نیویورک تایمز، آمار اینان که در سال ۱۹۵۰، ۳۵ درصد و در سال ۲۰۰۰، ۴۹ درصد بود، در سال ۲۰۰۵، به ۵۱ درصد رسیده است؛ هم‌اکنون در امریکا، تنها ۲۵ درصد از کودکان در خانواده‌های رسمی و با والدین حقیقی خود زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۶۰، تنها ۱۷/۵ درصد از کودکان بدون پدر زندگی می‌کردند؛ به‌رغم افزایش فناوری پزشکی و امید به زندگی، در سال ۱۹۹۰، ۳۶/۳ درصد کودکان دور از پدرانشان به سر می‌بردند. این رقم در آغاز قرن ۲۱ به ۵۰ درصد رسیده است؛ در امریکا هر سال ۳۵۰ هزار دختر نوجوان بدون ازدواج، مادر می‌شوند. در سال ۱۹۹۴، شمار زایمان دختران نوجوان، به ۶۷/۴ در هزار رسید، حال آنکه این میزان در سال ۱۹۶۵، ۱۶/۷ در هزار بوده است؛ براساس نتایج پژوهشی که سال ۲۰۰۷ در امریکا انجام شد مردان بزرگ‌سالی که در خانواده‌های تک‌والدی پرورش یافته‌اند، در دوران کودکی، بیش از دیگر مردان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند؛ در این کشور سالیانه بین سه تا پنج میلیارد دلار، صرف هزینه‌های پزشکی مربوط با خشونت‌های خانگی می‌شود؛ کودک‌آزاری جنسی، کاری عادی تلقی می‌شود. ۴۲ درصد از زنان بزرگ‌سال امریکا گزارش داده‌اند که در دوران کودکی توسط یک بزرگ‌سال یا بزرگ‌تر از خود مورد تعدی جنسی قرار گرفته‌اند (خاولا شاه، ۲۰۰۹).

هرچند فروپاشی خانوادگی برای همه گروه‌های نژادی در امریکا بالاست، این میزان در میان امریکایی‌های افریقایی‌تبار در مقایسه با اروپایی‌تبارها نمایان‌تر است؛ برای نمونه، درحالی‌که ۳۲ درصد ازدواج امریکایی‌های اروپایی در مدت ده سال پایان می‌یابد، ۴۷ درصد ازدواج افریقایی‌تبارها در خلال همین مدت به طلاق می‌انجامد (گودوین، ۲۰۰۳، ص ۵۵۰).

داده‌های اخیر از ژاپن نیز نشان می‌دهد که از اواسط دهه ۱۹۸۰ میزان طلاق در میان زوج‌های گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال رو به افزونی است (مارکهام و هالفورد و لیندهای، ۲۰۰۰، ص ۱۱۰).

همه این موارد حاکی از تضعیف ارزش‌های خانوادگی در غرب است که متأسفانه در حال تسری به کشورهای اسلامی و شرقی نیز می‌باشد. اسلام روش‌های متعددی برای حفاظت و تقویت ارزش‌های خانوادگی به‌کار گرفته است. مقاله پیش رو درصدد است با بررسی منابع اسلامی، مهم‌ترین روش‌های تحکیم ارزش‌های خانوادگی را ترسیم کند و از این منظر زمینه را برای رفع نگرانی‌های یاد شده فراهم سازد.

ارزش‌های خانوادگی و روش‌های تحقق آن از دیدگاه اسلام

هادی حسینخانی / استادیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی * h.hosseinkhani@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۵

چکیده

ارزش‌های خانوادگی اثری فراوان بر حاکمیت دارد و سبب گسترش ارزش‌ها در جامعه می‌شود. متأسفانه در جوامع امروزی این‌گونه ارزش‌ها کم‌اهمیت شده‌اند و به‌طور جدی تهدید می‌شوند. با بررسی منابع اسلامی به این نکته دست می‌یابیم که اسلام از روش‌های گوناگونی برای تثبیت و تقویت ارزش‌های خانوادگی بهره برده است. در نوشتار حاضر، شش روش تربیتی مهم را به‌منظور تحقق ارزش‌های خانوادگی بررسی می‌کنیم. این روش‌ها عبارت‌اند از: اعطای بینش، تحمیل به نفس، الگویی، دعا، تمثیل و موعظه که محور مباحث این مقاله را در جهت تحقق ارزش‌های خانوادگی از دیدگاه اسلام تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ارزش، ارزش‌های خانوادگی، روش تحقق ارزش‌ها، ارزش‌های اسلامی.

مفهوم‌شناسی

در این نوشتار، مهم‌ترین مفهوم اساسی که نیازمند تعریف است، مفهوم ارزش خانوادگی است. برای دستیابی به تعریف ارزش خانوادگی، لازم است نخست به مفاهیم خانواده و ارزش توجه و مفاهیم آن معرفی شود.

مفهوم خانواده

براساس تعالیم اسلامی، خانواده مجموعه‌ای است از افراد با رابطه‌های سببی (عقد ازدواج) و نسبی (والدینی - فرزندی، خواهری و برادری). این افراد در برابر هم، متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

مفهوم ارزش

مسئله ارزش در علوم گوناگون و از جهات مختلف، کانون بررسی‌های دقیق قرار گرفته است (شریفی، ۱۳۸۸، ص ۲۳). یکی از محققان غربی با مطالعه حدود چهار هزار اثر منتشر شده در زمینه ارزش، در نهایت حدود ۱۴۰ تعریف متفاوت از واژه ارزش به دست می‌دهد (فتحعلی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۳۹). در عین حال، استاد شهید مطهری در بیان منشأ پیدایش ارزش می‌گوید:

اگر چیزی به هر نوعی مفید باشد و منظوری را تأمین بکند و کمالی برای یک درجه از درجات وجود انسان و یک قوه از قوه‌های انسان باشد، و از طرف دیگر رایگان نباشد، یعنی به‌سادگی در دسترس او نباشد، و قابل انحصار هم باشد، اینجا ارزش پیدا می‌شود... امور معنوی هم به همین دلیل ارزش پیدا می‌کند. و فرض این است که به همان دلیلی که انسان بالقوه به‌سوی امور مادی کشش دارد، به امور معنوی هم کشش دارد (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۳۳).

مفهوم ارزش خانوادگی

براساس تعریف ارائه‌شده از خانواده و ارزش، می‌توان ارزش خانوادگی را به این صورت تعریف کرد: «همه‌اموری همچون افکار خوب، نیات خیر و اعمال نیک که برای اعضای خانواده، اعم از افراد دارای روابط سببی و نسبی مفید بوده، به کمالی در آنها منجر شود». بر این اساس، بسیاری از امور را می‌توان در زمره ارزش‌های خانوادگی به‌شمار آورد، چنان‌که برخی کارشناسان به شمارش اهم آنها پرداخته‌اند؛ برای نمونه، کراگر (۲۰۱۰) ده ارزش اساسی خانوادگی را عبارت از موارد ذیل می‌داند: تعلق داشتن، انعطاف‌پذیری، احترام گذاشتن، امانت، گذشت، سخاوت، کنجکاو، ارتباط، مسئولیت و سنت‌ها. همچنین جف (۲۰۰۹) به پنج ارزش خانوادگی اشاره می‌کند که مورد نیاز کودکان و کارمندان بانک است:

۱. سخت کار کن و کار خود را به بهترین وجه انجام ده؛
۲. حقیقت را بگو و امین باش؛
۳. به خود یا دیگران آسیب نرسان؛
۴. آنچه متعلق به تو نیست، در اختیار مگیر؛
۵. آن‌گونه با دیگران رفتار کن که دوست‌داری با تو رفتار شود.

در اسلام به ارزش‌های خانوادگی بسیاری توجه شده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: اعتقاد به خداوند و اولیای او، محبت اولیای الهی، بندگی خداوند، پاک‌دامنی و رعایت پوشش اسلامی، ابراز محبت، حسن خلق، آراستگی، سخاوت‌مندی، غیرت، خوش‌گمانی، آرامش‌بخشی، استقامت در برابر مشکلات، وفاداری و نرم‌خویی (حسین‌خانی، ۱۳۹۰). در این مقاله به آن دسته از ارزش‌های خانوادگی می‌پردازیم که در منابع اسلامی، یعنی قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام بیان شده است.

روش‌های تحقق ارزش‌های خانوادگی

کارشناسان امور خانواده راه‌های متعددی برای ارتقای ارزش‌های خانوادگی عرضه کرده‌اند؛ مثلاً برنر‌بورگ ده راه عمده برای آموزش ارزش‌ها به کودکان برشمرد:

۱. نقل سرگذشت زندگی والدین برای فرزندان خود؛
۲. عمل والدین بر طبق ارزش‌ها؛
۳. آشناسازی فرزندان با دین، اعتقاد یا معنویت والدین؛
۴. توجه والدین به دیگر افرادی که ارزش‌ها را به کودکانشان می‌آموزند؛
۵. پرسیدن سؤالاتی که کودکان را به گفت‌وگو درباره ارزش‌ها برمی‌انگیزد؛
۶. صحبت آسان و راحت با آنها در باب ارزش‌ها؛
۷. محدود ساختن تماشای تلویزیون و بازی‌های ویدیویی؛
۸. درگیر ساختن فرزندان به یاری دیگران؛
۹. گفت‌وگوی زیاد والدین درباره ارزش‌ها در منزل؛
۱۰. امیدواری فراوان به نظام‌های ارزشی فرزندان.

همچنین کلز (۲۰۰۸) موارد ذیل را به منزله هشت راه برای آموزش ارزش‌ها به کودکان عنوان کرده است:

۱. ارزش‌هایی را که می‌خواهید، مشخص کنید؛

۲. برای ارزش‌های خود مقرراتی وضع کنید؛

۳. درباره ارزش‌های خود کوتاه نیابید؛

۴. رفتارهای خود را با کلمات مورد تأکید قرار دهید؛

۵. در جست‌وجوی فرصت‌هایی برای آموزش باشید؛

۶. اولویت دادن به امور را به فرزندتان یاد دهید؛

۷. رفتار را با گفتار سازگار سازید؛

۸. کشمکش با ارزش‌هایتان را به بحث بگذارید.

روش‌های تحقق ارزش‌های خانوادگی از دیدگاه اسلام

منابع اسلامی روش‌های متعددی برای تحقق ارزش‌های اسلامی اثرگذار به دست داده‌اند، اما در اینجا با توجه به محدودیت مقاله، تنها شش روش از مهم‌ترین آنها را بررسی می‌کنیم:

روش اعطای بینش

در این روش سعی بر آن است که تلقی آدمی از امور دگرگون شود؛ زیرا نوع تلقی یکی از مبانی مؤثر بر نوع رفتارها و اعمال است (باقری، ۱۳۸۰، ص ۷۵). در منابع اسلامی تلاش شده است آگاهی‌های عمیق و گسترده‌ای در خصوص ارزش‌های خانوادگی و نحوه تحقق آنها ارائه شود؛ بدین ترتیب، زمینه برای تحکیم این‌گونه ارزش‌ها در خانواده فراهم می‌گردد. بینش بخشیدن درباره مراحل گوناگون ازدواج، یعنی پیش، هنگام، و پس از ازدواج و تشکیل خانواده از جمله این موارد است.

پیش از ازدواج

منابع اسلامی مجموعه وسیعی از بینش‌ها را در مرحله قبل از ازدواج ارائه می‌کنند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

اهمیت و قداست ازدواج: اسلام ازدواج را محبوب‌ترین بنا نزد خداوند به‌شمار می‌آورد: «وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا بُنِيَ بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۸۳)؛

قرآن ازدواج را «میثاقی محکم» می‌داند و آن را مایه آرامش و موجب دوستی و رحمت بین زن و مرد قلمداد می‌کند: «وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۱)؛

ازدواج در اسلام تقدسی خاص دارد و زمینه‌ساز تکمیل نیمی از دین به شمار آمده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹). از این رو، اجتناب از ازدواج و تشکیل خانواده نه تنها ارزشی معنوی محسوب نمی‌شود: «قَالَ ص يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَعِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَعِنْدَ النِّكَاحِ» (شعیری، ۱۴۰۵، ص ۱۰۱)، بلکه در منابع اسلامی به شدت از آن نهی شده است: مسند ابن حنبل عن انس: كان رسول الله ص يامر بالباءة وينهى عن التبطل نهيا شديداً (ابن حنبل، ج ۴، ص ۴۸۸)؛ به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۳۸) و فاصله گرفتن از پیروی رسول خدا ص دانسته شده است: «وَقَالَ ص النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (شعیری، ۱۴۰۵، ص ۱۰۱)؛ همچنین ازدواج سبب حفظ عفت می‌شود: «وَقَالَ ص يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَعْيُنٌ لِلْبَصِيرِ وَأَوْحَشَنُ لِلْفُرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيُتَمِمْ الصَّوْمَ فَإِنَّ [الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءَ]» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷) و امیال را از راه شرعی تأمین می‌کند.

بر اساس دیدگاه اسلامی ازدواج اساس تشکیل خانواده است و مسلمانان به ازدواج ترغیب می‌شوند (الجبالی، ۲۰۰۰، به نقل از اندرا، ۲۰۰۸، ص ۹۱). با توجه به اهمیت ازدواج، مسلمانان موظف‌اند زمینه ازدواج فرزندان خود را فراهم سازند: «وَقَالَ ص مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ: يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيَزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۸۰) و حتی مساعی خود را برای همسر دادن دیگر افراد مجرد جامعه به کار گیرند و ناتوانی مالی آنان را مانعی برای ازدواجشان به حساب نیاورند: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲).

معیارهای همسرگزینی: معیارهای اصلی گزینش همسر از دیدگاه اسلام عبارت‌اند از:

دین‌داری و ایمان: شامل انگیزه الهی در ازدواج، همسانی دینی، همسانی در مراتب دین‌داری، و محبت اولیای الهی در زنان و مردان؛ انجام وظایف دینی، بندگی و بازگشت از گناه به سوی خدا با تأکید بر زنان؛

ارزش‌های اخلاقی: شامل حسن خلق، مهرورزی، نیکوگفتاری، عفت در نگاه و گفت‌وگو با نامحرم، پرهیز از ارتباط صمیمانه با جنس مخالف، وفاداری در زنان و مردان؛ نرم‌خویی، سپاس‌گزاری، پرهیز از پرخاشگری، رعایت پوشش اسلامی، حضور حداکثری در منزل، تعقل و استقامت در برابر مشکلات با تأکید بر زنان، و غیرت، حسن ظن، پرهیز از شراب‌خواری با تأکید بر مردان؛

خصوصیات جسمی: شامل توانایی باروری، بکارت، جذابیت ظاهری، و تمایل جنسی در زنان؛
صلاحیت خانوادگی: شامل شایستگی بستگان نزدیک، نیکوکاری در حق والدین با تأکید بر مردان؛
 عزت‌مندی زن در بین خانواده؛

خصوصیات اقتصادی: شامل پرهیز از انگیزه‌های مادی در انتخاب همسر در زنان و مردان؛
 مسئولیت‌پذیری، طلب روزی حلال، و سخاوت‌مندی در مردان، و قناعت، کم‌هزینه بودن، مهریه اندک،
 منت نهادن، و محافظت از امانت‌های مالی در زنان (حسین‌خانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹).

هنگام ازدواج

ارزش‌هایی که هنگام برگزاری مراسم ازدواج کانون توجه منابع اسلامی است و درباره آنها بینش‌افزایی صورت گرفته است، شامل این موارد می‌شود: انتخاب اوقات خجسته مانند ماه رمضان و روز جمعه؛ آشکارا برگزار کردن ازدواج و پرهیز از ازدواج نهانی، جشن گرفتن، ولیمه دادن، عروسی کردن در شب، و رعایت شایسته‌های شب زفاف (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷-۱۲۹).

پس از تشکیل خانواده

پس از تشکیل خانواده، ارزش‌های چندی زمینه محکم شدن آن را فراهم می‌کند که برخی میان زن و مرد مشترک است؛ مانند: اظهار محبت، خوش‌خویی و خوش‌رفتاری، رعایت حقوق، تأمین نیازهای جنسی، همکاری، احترام متقابل، رفق و مدارا، تعافل و چشم‌پوشی، قناعت و ساده‌زیستی، و خشنود بودن به خواست خدا. برخی دیگر نیز ویژه مردان است، همچون: تأمین نیازهای دینی، تأمین نیازهای علمی و فرهنگی، تأمین هزینه اقتصادی، تأمین نیازهای روانی و غیرت‌ورزی. پذیرش مدیریت شوهر بر خانواده و امانت‌داری در غیاب شوهر نیز از جمله ارزش‌های اختصاصی زنان است که به استحکام خانواده می‌انجامد (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۳۸۰-۴۰۷).

روش تحمیل به نفس

هنگامی که به‌رغم گریز و کراهت باطن، اعضا و جوارح به انجام عملی وادار گردند، روش تحمیل به نفس استفاده شده است. بر این اساس، باطن رمیده و بی‌رغبت را می‌توان با حرکات اندام به بند کشید و آن را رام و راغب گرداند (باقری، ۱۳۸۰، ص ۷۰). از این روش برای تحقق ارزش‌ها در خانواده بهره برده‌اند؛ از جمله آنکه منابع دینی بر رفتار و گفتار کریمانه با والدین، حتی در صورت بدرفتاری آنان، تأکید کرده‌اند: «او پروردگارت فرمان داد جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن

دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار، و بر آنها فریاد مزن، و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو» (اسراء: ۲۳). امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «اگر آنها تو را به ستوه آوردند، به آنها "اف" مگو، و اگر تو را زدند، آنها را از خود مران، و اگر تو را زدند، به آنها بگو خدا شما را رحمت کند. پس این قول کریم توست».

همچنین در فرایند همسرگزینی، می‌بایست شخص با وجود شیفتگی به‌ظاهر فرد مقابل، به‌دلیل نداشتن ایمان وی، از ازدواج با او پرهیز و این میل را در خود سرکوب کند: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ تُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةً مُّؤْمِنَةً حَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا تُدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (بقره: ۲۲۱). از سوی دیگر، گاه فرد مقابل از نظر جنبه‌های ظاهری و ویژگی خاصی ندارد، اما وجود مراتب والای ایمان در وی وجه مشترک مناسبی است: «قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا زِيَادُ جُوبَيْرٌ مُّؤْمِنٌ وَالْمُؤْمِنُ كَفْوٌ لِلْمُؤْمِنَةِ وَالْمُسْلِمُ كَفْوٌ لِلْمُسْلِمَةِ فَزَوِّجْهُ يَا زِيَادُ وَلَا تَرَعَبْ عَنْهُ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۴۱)؛ ای زیاد! جویر مؤمن است و مرد مؤمن هم‌شان زن مؤمن است و مرد مسلمان هم‌شان زن مسلمان، پس ای زیاد دخترت را به ازدواج او درآور و از او اعراض مکن. و نیز لزوم درهم شکستن سنت‌های جاهلیت «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْكَحْتُ زَيْدَ بِنَ حَارِثَةَ زَيْنَبَ بِنْتَ جَحْشٍ وَأَنْكَحْتُ الْمُقَدَّادَ صُبَاعَةَ بِنْتَ الزُّبَيْرِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لِيَعْلَمُوا أَنَّ أَشْرَفَ الشَّرَفِ الْإِسْلَامُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۶۶) و باعث می‌شود که اولیای الهی بر چنین ازدواج‌هایی، به‌رغم کراهت نخست افراد، تأکید کنند. «هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد، و هرکس خدا و رسولش را نافرمانی کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است» (احزاب: ۳۶).

در خلال زندگی مشترک نیز روش تحمیل به نفس کاربردهای فراوانی دارد و در منابع اسلامی به آن توجه شده است؛ برای نمونه، به مردان توصیه شده است که در غذا خوردن و نوع آن، اشتها و رغبت خویش را در نظر نگیرند و رغبت خانواده را مد نظر قرار دهند. این کار به اندازه‌ای مهم است که ویژگی مؤمن به شمار می‌آید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹، ص ۲۹۱). همچنین، صبر و شکیبایی در برابر کج‌خلقی همسر که تحمل آن، گاه بسیار دشوار می‌شود، ثواب بردباری اولیای الهی را در برابر مشکلات در پی دارد، هر مردی که بر بداخلاقی همسرش شکیبایی ورزد، خداوند اجر صبر ایوب بر بلاایش به او

کرامت فرماید و هر زنی که که بر کج خلقی همسرش صبوری نماید، خداوند اجر آسیه بنت مزاحم (همسر فرعون) را به او عطا می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۴).

در برخی روایات، جهاد زن آن دانسته می‌شود که در برابر آزار و اذیت شوهر و غیرت او صبر کند: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَتَبَ عَلَى الرَّجُلِ الْجِهَادَ وَعَلَى النِّسَاءِ الْجِهَادَ فَجِهَادُ الرَّجُلِ أَنْ يَبْذُلَ مَالَهُ وَدَمَهُ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرِهَا» (مکارم الاخلاق، ۱۳۷۰، ص ۲۱۳) و نیز در خصوص شکیبایی مرد در برابر بداخلاقی همسر، نقل شده است که در بهشت، درجه‌ای است که جز پیشوای دادگر، خویشاوند اهل صلۀ رحم و عیال وار صبور، کسی به آن دست نمی‌یابد: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَأَيُّبُهَا إِذَا إِمَامٌ عَادِلٌ، أَوْ ذُو رَحِمٍ وَصُولٍ أَوْ ذُو عِيَالٍ صَبُورٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۹۰). تحمل همسر به‌اندازه‌ای در منابع دینی ارزشمند است که اگر پس از ازدواج، فرد با این احساس درونی روبه‌رو شود و به هر دلیل، علاقه و رغبتی به همسر نداشته باشد، با درک این مطلب، معاشرت پسندیده با او را زمینه‌ساز خیری کثیر برای خود می‌شمرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید!... و با آنان، به‌طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (به‌سببی) کراهت داشتید، (فوراً) تصمیم به جدایی نگیرید! چه‌بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد!» (نساء: ۱۹)، به‌رغم کراهت باطنی، به‌گونه‌ای شایسته با وی رفتار می‌کند.

روش‌های گویبی

در منابع اسلامی استفاده فراوان از این روش به منظور ترسیم‌های گویبی برای خانواده مطلوب به چشم می‌خورد. سیره پیامبران و اهل بیت عصمت و طهارت ع در خانواده، دربردارنده الگوهای خانواده نمونه است. در اینجا برای نمونه به برخی روابط درون خانواده در سیره اولیای الهی اشاره می‌شود.

همسرداری

پیامبر اکرم ص بهترین الگوی همسرداری به‌شمار می‌روند که با منش خود مسیر اعتدال را به رهپویان خویش می‌آموزند. امام صادق ع فرمود: سه تن از زنان نزد رسول خدا ص آمدند. یکی از آنها گفت: شوهرم گوشت نمی‌خورد. دیگری گفت: شوهرم عطر نمی‌بوید. سومی گفت: همسرم به زنان نزدیک نمی‌شود، پس رسول خدا ص درحالی‌که ردایش به زمین می‌کشید، خارج شد و از منبر بالا رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: چه می‌شود که گروهی از اصحاب من گوشت نمی‌خورند و عطر نمی‌بویند

و نزد زنان نمی‌روند، همانا من هم گوشت می‌خورم و هم عطر می‌بویم و هم نزد زنان می‌روم. هرکس از سنت من اعراض کند از من نیست (حجازی، و خسروشاهی، ۱۴۱۹، ص ۱۸۷).

شوهرداری

امیرمؤمنان ع در بیانی کوتاه نقش بی‌بدیل حضرت زهرا ع را در شوهرداری چنین توصیف کرده‌اند: به خدا سوگند که تا زنده بود، نه او را عصبانی و نه به کاری مجبورش کردم. او نیز نه مرا عصبانی نمود و نه در کاری، از من نافرمانی کرد. هنگامی که به او نگاه می‌کردم، غم‌ها و اندوه‌ها از من برطرف می‌شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۳۴).

تربیت فرزند

آیات گوناگون سوره لقمان به بیان تلاش وی در تربیت دینی فرزند می‌پردازد. آن حضرت در مواظب خویش، فرزندش را از شرک برحذر داشته، او را به اقامۀ نماز، امر به معروف و نهی از منکر و صبر در برابر ناملايمات فرا می‌خواند. وی همچنین از فرزندش می‌خواهد که با بی‌اعتنایی از مردم رو برنگرداند؛ مغرورانه بر زمین گام نهد؛ با اعتدال زندگی کند و صدای خویش را بلند نگرداند (لقمان: ۱۳-۱۹).

رعایت حقوق والدین

امام سجاد ع در ضمن دعایی الگویی از ادای حق والدین به دست می‌دهد: «خداوند، بازهم بر محمد و آتش درود فرست، و مرا با لطف الهام خود به تمام حقوقی که والدینم برگردنم دارند آگاه ساز، و مرا به انجام همان وظایفی مشغول ساز که به من الهام می‌فرمایی، و مرا توفیقم ده که مشتاقانه مطابق همان آگاهی خود عمل کنم تا هیچ‌یک از حقوق آنان در گردنم باقی نماند، اعضا و جوارح مرا در انجام تکالیف پدر و مادرم که به من الهام می‌کنی سنگین مفرما» (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۵).

روش دعا

درخواست همسر شایسته

امام علی ع فرمود: هرکس از شما برای ازدواج تصمیم گرفت، دو رکعت نماز بخواند، بعد سوره «حمد» و «یس» را قرائت کند و پس از آن حمد و ثنای الهی را به‌جای آورد، و بگوید: خدایا! زن صالح، باموَدّت، پراولاد، سپاس‌گزار، قانع و تسلیم و باغیرت نصیب من گردان، که اگر خوبی کنم

دعا برای فرزندان

بخشی از دعای امام زین‌العابدین علیه السلام برای فرزندان ایشان این است: پروردگارا، بر من منت بگذار و فرزندانم را زنده بدار، و آنان را برایم صالح بگردان، و مرا از ایشان بهره‌مند فرما؛ خداوند، عمر آنان را برایم دراز گردان، و بر مدت زندگانی‌شان بیفزای، و کوچک آنان را برایم پیروان، و ناتوانشان را نیرومندساز، و تن و دین و اخلاقشان را سالم بدار، و به جان و اندام هر امری از امور آنان که دل‌نگرانم هستم، سلامت عطا فرما، و روزی ایشان را برای من و به‌دست من فراوان ساز، و ایشان را نیکوکار و پرهیزگار و بی‌نا و شنوا و فرمان‌بردار خودت، و من را دوستدار و خیرخواه دوستانت، و دشمن و متنفر از همه دشمنانت، قرار ده، آمین (صحیفه سجاده، دعای ۲۴).

روش تمثیل

براساس این روش، مربی با به‌کار بردن تشبیه و تمثیل می‌کوشد، امور ذهنی و معقول را به‌صورت محسوس درآورد و با این شیوه زمینه درک بهتر آن را برای مربی فراهم سازد. روش تمثیل می‌تواند به تحقق ارزش‌های خانوادگی یاری رساند؛ از این روش در منابع اسلامی به‌طور گسترده استفاده شده است. در اینجا، به منظور ترسیم ارزش‌های حاکم بر روابط اعضای خانواده، به نمونه‌هایی از به‌کارگیری این روش در منابع اسلامی می‌پردازیم:

همسران

قرآن مجید همسران را به لباسی برای همدیگر تشبیه می‌کند (بقره: ۱۸۷). این تشبیه دربردارنده ارزش‌های خانوادگی متعددی است که هریک به ایجاد آرامش روانی میان زن و شوهر می‌انجامد. مواردی همچون: عیب‌پوشی و محافظت: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به‌طور کامل) اجرا می‌نمایند» (تحریم: ۶)؛ زینت‌بخشی: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زن گردن‌بند است، دقت کن چه چیز را بر گردن خود می‌آوری» (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۳۱)؛ انعطاف‌پذیری: فرزندانم، ... زن قهرمان نیست، بلکه شاخه‌ریحان است. به‌رحال با او مدارا کن و به‌خوبی با او همراهی کن تا زندگیت گوارا شود (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۵۶؛ قرائتی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۸۲).

سپاسگزار باشد، و اگر خدا را فراموش کردم مرا یادآوری کند، آن‌گاه که خانه را ترک می‌کنم حافظ زندگی و آبرویم باشد، و آن‌گاه که به خانه می‌آیم مرا خوشحال و مسرور کند، اگر به او دستور دهم اطاعت کند، و اگر برای او قسم خوردم آن را بپذیرد، و اگر درباره‌ی او عصبانی و خشمناک شدم مرا راضی و خرسند گرداند. ای خدای صاحب جلال و بزرگواری! چنین زنی را قسمت من گردان، زیرا من از آستان پر عظمت تو کمک می‌گیرم، و جز آنچه تو قسمت من می‌کنی، چیزی را سراغ ندارم. سپس فرمود: اگر کسی این نماز و دعا را انجام دهد، خداوند خواسته‌ی او را اجابت می‌نماید (راوندی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۲).

دعا برای خانواده

حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آنکه همسر و فرزند خویش را در سرزمین مکه ساکن کرد، این‌گونه دعا کرد: «پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را به جای آورند» (ابراهیم: ۳۷). همچنین جبرئیل علیه السلام این دعا را به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت: بارالها، ... و هرآنچه خیر و خوبی است [از تو خواهم که] همه را برای من و پدر و مادر و خاندان و فرزندانم گردآوری و هرآنچه بدی است، همه را از من و پدر و مادر و خاندان و فرزندانم بازگردانی، و تویی مهربان و نعمت‌بخش، پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین، عطا فرمایی خیر [و خوبی] را به هر که خواهی، و بگردانی آن را از هر که خواهی، پس به مهر و رحمت خویش بر من منت بده، ای مهربان‌ترین مهربانان (رسولی محلاتی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۹).

دعا برای والدین

امام سجاده علیه السلام برای والدین خود این‌گونه دعا کرده‌اند: بارخدا، بر محمد و خاندان او درود فرست، و مرا به‌سبب دعایم برای آن دو بیمار، و آن دو را نیز به‌سبب محبت و خوش‌رفتاری‌شان با من، حتماً بیمار، و به‌واسطه‌ی شفاعتم برای آن دو، از ایشان بی‌گمان خشنود شو، و آن دو را با عزت و احترام، به جایگاه‌های سلامت (بهشت) برسان؛ بارخدا، اگر آن دو را پیش‌تر آمرزیده‌ای، ایشان را شفیع من قرار ده، و اگر مرا پیش‌تر آمرزیده‌ای، مرا شفیع آن دو قرار ده تا به لطف تو، همگی در سرای کرامت و جایگاه آمرزش و رحمت، گرد آییم، که به‌راستی، تو دارای لطف بزرگ و دلجویی دیرینی، و تو مهربان‌ترین مهربانانی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۳۶۴).

زن

در منابع اسلامی، زنان برای شوهران خویش این‌گونه تشبیه شده‌اند: از آنجاکه مایهٔ زیبایی یا زشتی شوهران خود هستند و ارتباطی پیوسته با آنان دارند، به گردن‌بند (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۳۱)؛ از این جهت که زمینهٔ پرورش فرزند صالح یا ناصالح را فراهم می‌کنند، به کشتزار؛ «زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید» (بقره: ۲۲۳)؛ و از جهت لطافت و عدم تناسب با فرمان‌فرمایی و انجام امور طاقت‌فرسا به گیاه خوشبو (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۱۶)؛ باید زن ریاست‌کاری را که از استعدادش بیشتر است بر عهده نگیرد که مالک کاری نشدن برای زن بهتر است و برای قلب زن و باقیماندن زیبایی او آسان‌تر؛ زیرا زن گل است نه قهرمان اجتماع (رضایی، ۱۳۶۴، ص ۲۳۲)، و از جهت خوب شوهرداری کردن به مجاهد در راه خدا، «جهاد زن خوب شوهرداری کردن است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۰۷)؛ در دوران بارداری به روزه‌دار شب زنده‌داری که با جان و مال خود در راه خدا جهاد می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۱۰۶) تشبیه شده‌اند، همچنان‌که زنان زیبا که در رویشگاه بد پرورش یافته باشند، به دلیل تربیت نامطلوب با وجود زیبایی ظاهری، به سبزهٔ «مزبله». رسول خدا ﷺ فرمود: ای مردم، بپرهیزید از «خضراء الدّمن» (علف‌هایی که در خوابگاه و طویلهٔ شتران می‌روید)، پرسیدند یا رسول الله «خضراء الدّمن» چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در خاندانی پست پرورش یافته باشد (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۹۱).

زنان شایسته به سبب کمیابی و نادر بودن به کلاغ‌هایی مانند شده‌اند که یک پای آنها سفید است. حکایت زن شایسته در میان زنان مانند «غراب اعصمی» است که یکی از پاهایش سفید است (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶، ص ۲۴۲). زنان صالح از آن رو که روشنی‌بخش خانهٔ شوهرند، به هلال ماه درخشان، و زنان ناصالح به آن سبب که زندگی زناشویی را تیره و تار می‌کنند، به ظلمت مانند شده‌اند؛ بعضی از زنان چون هلال ماه‌اند که برای شوهر خود می‌درخشند، و برخی از آنان چون ظلمت‌اند. (طبرسی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵). تشبیه گردیده و زنان کج خلق از آن‌رو که باید با آنها مدارا شود، به استخوان دندهٔ کج تشبیه شده‌اند. حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا ابراهیم از بدی اخلاق ساره (زوجه‌اش) به خداوند شکایت کرد، پس خدای با عزت و جلال به او وحی فرمود که همانا مثل زن همچون استخوان پهلوی دنده است که کج است، اگر بخواهی آن را راست کنی می‌شکنی و اگر به حال خودش واگذاری به آن بهره‌مند می‌گرددی، بر بدی اخلاق ساره صبر و شکیبایی نما (آشتیانی و شاگردان، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۰۰)، تشبیه شده‌اند که اگر تحت فشار قرار گیرند، می‌شکنند.

شوهر

از سوی دیگر، شوهران برای همسران خود این‌گونه تشبیه شده‌اند: از آن‌رو که تکیه‌گاه همسرند، به ستونی که خیمهٔ خانواده بر آن استوار است؛ مردان سرپرست و نگهبان زنان‌اند، به سبب برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی در برابر بعضی دیگر قرار داده است. به سبب انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند (نساء: ۳۴)؛ از آن جهت که در رفع نیازمندی‌های همسر خود می‌کوشند، به خدمت کار: عن النبی صلی الله علیه و آله «خدمتک زوجتک صدقه»؛ خدمت تو به همسرت، صدقه است (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۵۶)؛ به نقل از محمد ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰)؛ از آن حیث که در کنار و هم‌نشین اویند، به صدقه‌دهنده: پس به‌سوی خانواده‌ات بازگرد که این کار تو، برای آنان صدقه است (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۷۸)؛ از آن‌رو که رزق حلال برای خود و خانواده طلب می‌کنند، به مجاهد فی سبیل الله: هرکس روزی را از راه حلال آن برای خود و خانواده‌اش فراهم آورد، همچون مجاهد در راه خدای عزوجل است (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۵۶)؛ بدان سبب که به همسرشان رو می‌آورند، به کسی که در راه خدا شمشیر برکشد: هرگاه رو آورد، دو فرشته او را در آغوش می‌کشند، و همانند کسی است که در راه خداوند، شمشیر برکشد، و چون مجامعت کند، گناهان او همچون برگ درخت، فرو می‌ریزند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۱۲۴)؛ به نقل از محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۳۱۸)؛ و از آن نظر که با همسر خود مجامعت می‌کنند، به درختی که برگ (گناه)‌هایش فرو می‌ریزد. فرزند صالح گلی از گل‌های بهشت است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۳۸)، تشبیه شده‌اند.

فرزند

فرزند صالح از آن لحاظ که عطرش همیشه پراکنده و منظرش باعث روشنی دیده می‌شود، به گلی از گل‌های بهشت؛ از آن جهت که حاصل عطوفت باطنی انسان است، به میوهٔ قلب؛ زیرا هر درختی میوه‌ای دارد و میوهٔ دل فرزند است (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۳۳)؛ از آن‌رو که برای والدینش استغفار می‌کند، به میراثی که مؤمن پس از مرگش برای خدا بر جا می‌گذارد: فرزند صالح میراثی است که پس از مرگ او برای خدا باقی می‌ماند (طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۸۵ق، ص ۲۸۰)؛ از آن حیث که پس از والدین به زیباترین شکل یادآور آنان بوده، باعث به نیکی برده شدن نامشان می‌شود: به زیباترین دو نام فرزند صالح نیکوتر دو یاد است؛ یعنی اسباب یاد کسی به نیکویی دو تا است: یکی فرزند صالح که از او بماند و دیگری سایر اسباب آن و فرزند صالح نیکوتر از همهٔ آنهاست یا اینکه آن را با هر سببی که بسنجد آن نیکوتر است از آن سبب (خوانساری، ۱۳۶۶، ص ۲۳)؛ از آن جهت که والدین در مرگ

فرزند صالح برای خدا صبر می‌کنند، به وزنه‌ای سنگین در میزان اعمال: پنج چیز بسیار در میزان عمل سنگین است: «سبحان الله»، «الحمد لله»، «لا اله الا الله»، «الله اکبر»، و صبر در مرگ فرزند صالح برای خدا (مشکینی، ۱۴۲۴، ص ۳۷۷)؛ تشبیه شده است.

همچنان‌که فرزند ناصالح، از آن نظر که سبب غم و اندوه بسیار در دنیا می‌شود و چه بسا باعث از دست دادن آخرت نیز شود، به یکی از دو دشمن: «فرزند یکی از دو دشمن است، یعنی دشمنی است برابر با دیگر دشمن‌ها؛ زیرا در دنیا سبب غم و اندوه بسیار شود و بسیار باشد که آدمی از برای او آخرت را هم از دست دهد» (خوانساری، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۲۴)؛ و از آن حیث که آزاردهنده است، ولی چاره‌ای جز تحمل آن نیست، به پابرجاترین درد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۴۲۳) تشبیه شده است.

روش موعظه

موعظه یعنی آنچه انسان به واسطه آن پند، عبرت و اندرز گیرد و از معصیت و گناه روی گرداند و به دنیا دلگرم نباشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۲۰). از روش موعظه در موارد زیر برای ایجاد و تقویت ارزش‌های خانوادگی استفاده کرده‌اند:

موعظه زنان

یکی از موارد موعظه زنان، هنگامی است که در ایشان آثار نشوز و نافرمانی از همسر مشاهده شود. در چنین موقعیتی، پیش از هرگونه اقدام سخت‌گیرانه‌ای، به شوهران توصیه شده است که به‌گونه‌ای اثرگذار، از در موعظه و خیرخواهی وارد شوند و آنان را به پرهیز از لجاجت ترغیب کنند: «و اما آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفت‌شان بیم دارید، پند و اندرز دهید» (نساء: ۳۴). اهمیت موعظه تا آنجاست که همسران پیامبر ﷺ از ایشان خواستند که روزی را برای موعظه ایشان قرار دهند. حضرت آنها را موعظه کرد و فرمود: «هر زنی سه فرزند از او فوت گردد، آنها برای او حجابی و مانعی از آتش جهنم می‌شود» (جناتی شاهرودی، ۱۳۸۰، ص ۷۷). امام صادق ﷺ نیز همسران خود را موعظه می‌کرد و می‌فرمود: در سجده کمتر از سه تسبیح نگوید. اگر چنین کردید کسی از شما نیکورفتارتر نخواهد بود (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۶۱).

موعظه مردان

در مواردی نیز زنان، همسران خود را موعظه و آنان را برای اتخاذ تصمیم صحیح راهنمایی کرده‌اند. هنگامی که مادر موسی ﷺ طبق الهام الهی و برای محافظت وی از گزند مأموران فرعون، فرزند نوزاد

خود را به دریا افکند و عوامل فرعون او را از دریا گرفتند، قصد کشتنش را داشتند که همسر فرعون با موعظه شوهر خود، او را از این کار بازداشت: همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: «نور چشم من و توست؛ او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را به‌عنوان پسر خود برگزینیم!» و آنها نمی‌فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می‌پروراند) (قصص: ۹). این موعظه نیز مؤثر واقع شد، بدین ترتیب خداوند حضرت موسی ﷺ را به دامان مادر بازگرداند: ما او را به مادرش بازگرداندیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند! (قصص: ۱۳). هنگامی که زهیرین قین پیام امام حسین ﷺ را دریافت کرد، و در پاسخ دادن مردد شد، همسرش او را موعظه کرد و گفت: سبحان الله، عجب! آیا فرزند رسول الله تو را فراخوانده و تو اجابت نمی‌کنی، چه می‌شد می‌رفتی و سخن امام را گوش می‌دادی. زهیر نزد امام مشرف شد، چیزی نگذشته بود که با شادمانی و با چهره درخشان بازگشت، و فرمان داد تا خیمه و خرگاه را برکنند و با بار و بنه و خیمه به حسین ﷺ پیوست (ابن طاووس، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷).

موعظه فرزندان

منابع اسلامی سرشار از مواردی است که والدین، فرزندان خود را موعظه کرده‌اند. در این بخش، به برخی از آن موارد اشاره می‌شود. حضرت نوح ﷺ که خطر غرق شدن را برای فرزندش پیش‌بینی می‌کرد، او را به سوار شدن در کشتی و فاصله گرفتن از کافران سفارش می‌کرد: «و آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوه‌ها حرکت می‌داد؛ (در این هنگام) نوح فرزندش را که در گوشه‌ای بود صدا زد: پسر! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!» (هود: ۴۲).

مواعظ لقمان به فرزندش از جمله آن موارد است که وی را به پرهیز از شرک (لقمان: ۱۳)، جدیت در علم‌آموزی: «آنچه لقمان پسرش را به آن موعظه کرد، این بود که به او گفت: ای فرزندم، در روزها و شب‌ها و ساعات (زندگی) خود قسمتی را برای خودت در طلب علم و دانش قرار بده؛ زیرا تو برای خود هیچ‌گونه ضایع و تباه‌ساختنی را مانند ترک تحصیل علم هرگز نخواهی یافت» (آشتیانی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸)، مدارا با دشمن (جزایری، ۱۴۰۴، ص ۳۲۷)؛ از وصایای لقمان به پسرش (ناتان) این است که به او گفت: ای پسر! سلاح تو در برابر دشمنی که قصد مقابله با او را داری مدارا و اعلام رضایت از اوست و هرگز از او دوری نکن، چون تو را حقیر یافته و بر تو جرئت می‌ورزد (مشایخ، ۱۳۸۱، ص ۴۷۱)؛ عمل به وظیفه امام صادق ﷺ: لقمان پسرش را چنین موعظه می‌کرد: پسر! ... تو بنده‌ای اجیری و دستور داری که کار کنی، و وعده داده‌اند که در برابر

آن مزدی بگیری، پس کارت را کامل انجام ده، و مزدت را تمام بگیر (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۸) فرا می‌خواند.

امیرمومنان علیه السلام نیز فرزند دل‌بند خود امام حسن علیه السلام را به زنده نگه داشتن دل با کمک گرفتن از موعظه فراخوانده است و او را به ترس از خدا، اطاعت از فرامین او، یاد خدا و چنگ زدن به ریسمان او، زهد، یقین، حکمت، یاد مرگ و... توصیه کرده‌اند (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

البته این نکته حایز اهمیت است که در موعظه باید مخاطب‌شناسی صورت گیرد و موقعیت فرزند لحاظ شود. چنانچه حضرت زکریا علیه السلام به جهت روحیه لطیف و قلب رقیقی که فرزندش یحیی داشت، هرگاه می‌خواست مردم را موعظه کند به اطراف خود نظاره می‌کرد و اگر یحیی را در آن جمع می‌دید، سخنی از بهشت و دوزخ بر زبان نمی‌آورد (مشایخ، ۱۳۸۱، ص ۵۵۹).

موعظه والدین

در مواردی نیز فرزندان به موعظه والدین خود اقدام کرده، آنان را به پیمودن مسیر صحیح رهنمون شده‌اند. مانند فردی که خود از پیروان موسی علیه السلام بود و پدرش از هواداران فرعون. امام کاظم علیه السلام این موعظه را به این شکل بیان کرده‌اند: آیا آگاه نشدی بر حال آن کسی که خودش از اصحاب و یاران موسی علیه السلام و پدرش از اصحاب فرعون بود، پس هنگامی که لشکر فرعون به [لشکر] موسی علیه السلام رسید برای موعظه پدر [یعنی پند و اندرز دهد] و ملحق کردنش به لشکر موسی از همراهان خود جدا شد، پدر او [با لشکر فرعون] می‌رفت و آن پسر با او مجادله می‌کرد و او را به سوی حق می‌خواند تا به کنار دریا رسیدند و هر دو در دریا غرق شدند، پس این خبر به موسی علیه السلام رسید فرمود: آن پسر در رحمت پروردگار است [یعنی رستگار و اهل بهشت است] ولی هرگاه عذاب (خدا) نازل شود برای کسی که به گناهکار نزدیک است جلوگیری از آن عذاب نیست (آشتیانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۰۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در منابع اسلامی، از روش‌های متعددی برای ایجاد و تقویت ارزش‌های خانوادگی استفاده شده است. در این نوشتار، شش مورد از روش‌هایی که برای تثبیت این‌گونه ارزش‌ها به کار گرفته شده‌اند، مطرح و مصادیق عملی آن بررسی شد. نخست به روش «اعطای بینش» اشاره شد که براساس آن در منابع اسلامی تلاش شده است آگاهی‌های عمیق و گسترده‌ای در خصوص ارزش‌های خانوادگی و نحوه تحقق آنها ارائه شود و با این شیوه زمینه برای تقویت این‌گونه ارزش‌ها در خانواده فراهم گردد.

بینش‌های یاد شده شامل مراحل گوناگون پیش، هنگام و پس از ازدواج و تشکیل خانواده شد. براساس روش «تحمیل به نفس»، فرد برای تحقق ارزش‌های خانوادگی، به‌رغم کراهت باطنی، رفتارهایی مانند اعمال ذیل را انجام می‌دهد: رفتار و گفتار کریمانه با والدین، حتی در صورت بدرفتاری آنان؛ پرهیز از ازدواج با فرد بی‌ایمان به‌رغم امتیازات دیگر وی؛ صبر و شکیبایی در برابر کج‌خلقی همسر.

براساس روش «الگویی»، برای تحقق ارزش‌های خانوادگی، زنان، شوهران، والدین و فرزندان با سرمشق گرفتن از سیره اولیای الهی می‌توانند چنین ارزش‌هایی را در خانواده تثبیت کنند. «دعا» برای بهره‌مندی از همسر شایسته، والدین، همسر و فرزندان نیز روش دیگری برای تحقق ارزش‌های خانوادگی به‌شمار می‌رود. همچنین قرآن کریم و منابع روایی با «تمثیل» و «تشبیه» کوشیده‌اند روابط همسران، والدین و فرزندان را به‌طور ملموس بیان کنند و از این منظر به تبیین و تصحیح روابط خانوادگی یاری رسانند.

سرانجام «موعظه»، یعنی آنچه انسان با آن پند و عبرت و اندرز گیرد و از معصیت و گناه روی گرداند و به دنیا دلگرمی پیدا نکند، در تربیت خانوادگی کانون استفاده منابع اسلامی قرار گرفته و بیان شده است که همسران، والدین و فرزندان می‌توانند با بهره‌گیری از این روش، زمینه تحقق ارزش را در خانواده فراهم سازند.

منابع

- آشتیانی، میرزااحمد و شاگردان(۱۳۶۲)، *طرائف الحکم یا اندرزه‌های ممتاز*، تهران، کتابخانه صدوق.
- ابن طاووس، سیدرضی‌الدین(۱۳۸۰)، *لهوف*، ترجمه سیدابوالحسن میرابوطالبی، قم، دلیل ما.
- اربلی، علی‌بن‌عیسی(۱۳۸۲)، *کشف الغمه*، ترجمه و شرح علی بن حسین زواره‌ای، تهران، اسلامیه.
- باقری، خسرو(۱۳۸۰)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
- پاینده، ابوالقاسم(۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ*، تهران، دنیای دانش.
- جزایری، سید نعمت‌الله(۱۴۰۴)، *النور المبین فی قصص الانبیاء والمرسلین*، قم، آیت الله مرعشی.
- جناتی‌شاهرودی، حسین(۱۳۸۰)، *آرامش دل داغدیدگان*، قم، روح.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی(۱۳۷۷)، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- حجازی، سیدمه‌دی و دیگران(۱۴۱۹)، *دور الاخبار*، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- حسین‌خانی، هادی(۱۳۹۰)، *معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام و ساخت مقیاس آن*، پایان نامه دکتر، رشته علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حکیمی، محمدرضا، و دیگران(۱۳۸۰)، *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلی، احمدبن‌فهد(۱۴۰۷)، *عده الداعی و نجاح الساعی*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین و مسعود انصاری(۱۳۷۶)، *پیام پیامبر*، تهران، منفرد.
- خوانساری، جمال‌الدین(۱۳۶۶)، *شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غررالحکم*، تهران، دانشگاه تهران.
- الدیلمی، الحسن‌بن‌ابی‌الحسن(۱۴۱۲)، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، شریف رضی.
- راوندی، سیدفضل‌الله(۱۳۷۶)، *النوادر للراوندی*، ترجمه احمد صادقی‌اردستانی، تهران، بنیاد کوشانپور.
- رسولی‌محللاتی، سیدهاشم(۱۳۶۹)، *صحیفه علویه*، تهران، اسلامیه.
- رضایی، سیدعبدالحسین(۱۳۶۴)، *کتاب الروضه در مبانی اخلاق*، تهران، اسلامیه.
- سالاری‌فر، محمدرضا(۱۳۸۵)، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سیف، علی‌اکبر(۱۳۸۸)، *روانشناسی پرورشی نوین*، تهران، نشر دوران.
- شریفی، احمدحسین(۱۳۸۸)، *خوب چیست؟ بد کدام است؟*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- شعیری، تاج‌الدین(۱۴۰۵)، *جامع الاخبار*، قم، رضی.
- صدوق، محمدبن‌علی(۱۴۰۴)، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، حسن(۱۳۷۰)، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف رضی.
- طبرسی، فضل‌بن‌الحسن(۱۳۸۰)، *الأداب الدینیة للخزانة المعینیة*، ترجمه احمد عابدی، قم، زائر.
- ____، (۱۳۸۵ق)، *مشکاه الانوار فی غرر الاخبار*، نجف، حیدریه.
- فتحعلی، محمود و جمعی از نویسندگان(۱۳۸۱)، *درآمدی بر مبانی اندیشه اسلامی(فلسفی، کلامی، سیاسی)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- قرائتی، محسن(۱۳۷۶)، *تفسیر نور*، قم، مؤسسه در راه حق.
- القرشی، باقرشریف(۱۳۷۲)، *تحلیلی از زندگانی امام سجاد*، مترجم محمد رضا عطایی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب(۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- المالکی‌الاشتری، ورام‌بن‌ابی‌فراس(بی تا)، *مجموعه ورام*، قم، مکتبه الفقیه.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد(۱۳۸۷)، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، با همکاری عباس پسندیده، ترجمه حمید رضاشیخی، قم، دار الحدیث.
- ____، (۱۳۸۱)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- محمدی‌شاهرودی، عبدالعلی(۱۳۷۷)، *معانی الاخبار*، ترجمه محمدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- ____، (۱۳۸۴)، *حیات القلوب*، قم، سرور.
- مروجی‌طیسی، محمدجواد(۱۳۸۷)، *حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام*، قم، موسسه بوستان کتاب.
- مشایخ، فاطمه(۱۳۸۱)، *قصص الانبیاء(قصص قرآن)*، تهران، فرحان.
- مشکینی، علی(۱۴۲۴)، *تحریر المواعظ العددیه*، قم، الهادی.
- مطهری، مرتضی(۱۳۷۳)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
- Brandenburg, Mark, Top ten ways to teach values to your kids, from: http://halife.com/family/teach_values_to_kids.html
- Goodwin, Y. Paula. (2003). African American and European American Women's Marital Well-Being. *Journal of Marriage and family*. vol. 65, no.3, pp.550- 560.
- Jeff(2009)from: <http://mysuperchargedlife.com/.../five-family-values-to-teach-our-kids-and-our-bankers/>
- Khaula Shah(2009) MUHAMMADSAW: THE RESTORER OF FAMILY VALUES, from: www.alislam.org/.../Muhammad-saw-The-restorer-of-family-values-20090131MN.pdf
- Kruger, Sherri (2010) Top 10 Essential Family Values, from: www.zenfamilyhabits.net/2010/02/top-10-essential-family-values/
- Kvols, Kathryn(2008) 8 Ways to Teach Your Child Values, from: www.incaf.com/articles/8_Ways_to_Teach_Values_to_Your_Children.pdf
- Markham, Howard., Kim. Halford., and Kristin. Lindahi. (2000). Marriage, *Encyclopedia of Psychology*.
- Onedera, Jill Duba (2008) *The Role of Religion in Marriage and Family Counseling*, Taylor & Francis Group, LLC.